

بررسی رابطه ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی و کیفیت زندگی

دکتر غلامرضا رجبی^۱

دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

فردین قربانی

دانش آموخته‌ی کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر رضا خجسته مهر

دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

پذیرش مقاله: ۹۰/۶/۱۶

دریافت مقاله: ۹۰/۲/۳

چکیده

مقدمه: زندگی افراد متأهل متأثر از کیفیت زندگی آن‌ها است که شامل درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌هایشان می‌باشد.

روش: این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین ایدئولوژی جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی و کیفیت زندگی کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر شیراز بود. ۲۵۰ کارمند متأهل (۱۲۵ مرد و ۱۲۵ زن) از بین کارکنان ادارات دولتی شهر شیراز با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های ایدئولوژی‌های جنسیتی برون‌گرا و کاتر، نقش‌های زناشویی محقق ساخته، هوش هیجانی شانه و کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی پاسخ دادند. ویژگی‌های روانسنجی ابزارهای مورد استفاده همگی رضایت بخش بودند.

یافته‌ها: نتایج همبستگی‌های مثبت بین ۰/۲۳ تا ۰/۵۲ بین متغیرهای ایدئولوژی جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی و کیفیت زندگی را نشان داد. تحلیل رگرسیون هم نشان داد که از بین متغیرهای پیش بین (ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی) متغیرهای نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی پیش‌بینی کننده متغیر ملاک (کیفیت زندگی) است.

نتایج: این نتایج نشان می‌دهد که در جامعه‌ی ایرانی نقش‌های زناشویی در درک افراد از موقعیت زندگی نقش بسزایی بر عهده دارد.

واژه‌های کلیدی: ایدئولوژی جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی، کیفیت زندگی

۱- آدرس نویسنده مسؤول، دکتر غلامرضا رجبی، دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه مشاوره، تلفاکس: ۰۶۱۱۳۳۳۱۳۶۶،

E-mail: rajabireza@scu.ac.ir

مقدمه

امروزه روانشناسان و محققان خانواده درمانی، خانواده را همانند ارگانیزم زیستی دارای یک سازمان منسجم و یکپارچه می‌دانند. آن‌ها اعتقاد دارند که خانواده نیز به عنوان یک کل یا تمامیت با ساختار، قوانین و اهداف، کارکرد و عملکرد معینی دارد (نوابی نژاد، ۱۳۸۳). زندگی افراد متاهل و خانواده‌ها تحت تاثیر کیفیت زندگی^۱ است که شامل درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌هایشان است، پس کاملاً فردی بوده و توسط دیگران قابل مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه‌های مختلف زندگی‌شان استوار است (بونومی^۲ و همکاران، ۲۰۰۰، بر گرفته از نجات و همکاران، ۱۳۸۵). کارشناسان خانواده معتقدند که کیفیت زندگی و زناشویی پایین می‌تواند منجر به عوامل روانی-اجتماعی گوناگونی از جمله افسردگی، خصومت و خشم شود که پیامدهای آن بیماری‌هایی مانند بیماری‌های عفونی، بیماری‌های قلبی-عروقی و برخی سرطان‌ها است (سالس و باندی^۳، ۲۰۰۵). عواملی مانند ایدئولوژی‌های جنسیتی^۴، نقش‌های زناشویی^۵ و هوش هیجانی^۶ چندی می‌توانند کیفیت زندگی افراد متاهل را تحت تاثیر قرار دهد که در این مطالعه به طور مختصر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

ایدئولوژی‌های جنسیتی شامل نگرش‌ها و رفتارهایی در باره آنچه که متناسب با رفتارهای کلیشه‌ای جنسیتی مردان و زنان در جامعه است، می‌باشد (بارنت^۷ و همکاران، ۱۹۹۳). بورنی^۸ (۲۰۰۶) معتقد است که ایدئولوژی جنسیتی آمریکایی‌ها به طور کلی به سمت تساوی‌گرایی تغییر یافته است. اما یک مطالعه نشان داده است که نگرش‌های مردان با سرعت آهسته تری نسبت به نگرش‌های زنان تغییر یافته است که از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا میانه دهه ۱۹۹۰، مردان نه تنها ثبات بیشتری در باره عقاید محافظه‌کارانه خود در باره مشارکت نیروی کار زنان بیان داشته‌اند، بلکه سرعت آهسته تری در تغییر نگرش‌ها و عقاید خود نسبت به زنان نشان داده‌اند (بریوستر و پاداویک^۹، ۲۰۰۰). ساندرا بم^{۱۰} یکی از اولین پژوهشگرانی بود که این سازه را مورد بررسی قرار داده است (۱۹۷۴، ۱۹۷۸). بارداری و تغییرات رابطه (استوارت^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۳)، پرستاری از بچه (گانت^{۱۲}، ۲۰۰۶)،

-
- 1 -quality of life
 - 2 - Bonomi
 - 3 -Suls & Bunde
 - 4 -gender ideology
 - 5 -marital roles
 - 6 -emotional Intelligence
 - 7 -Barnet
 - 8 -Bourne
 - 9 -Brewster & padavic
 - 10- Sandra Bem
 - 11 -Stewart
 - 12 -Gaunt

تقسیم کار (دیویس و گرین استین^۱، ۲۰۰۹)، کیفیت کار (آماتو و بوت^۲، ۱۹۹۵؛ میکلسون^۳ و همکاران، همکاران، ۲۰۰۶) و، درآمد و آموزش و پرورش (دیویس و پیرس^۴، ۲۰۰۷؛ کریستی-میزل^۵ و همکاران، ۲۰۰۷) می توانند ایدئولوژی‌های جنسیتی را تحت تاثیر قرار دهند. هلمز-اریکسون^۶ و همکاران (۲۰۰۰) مشاهده کردند که هر چه تجانس باورها و عقاید زوج های کارمند به ویژه زنان تساوی گرا درباره آنچه که باید در کار انجام دهند و آنچه که واقعا انجام می دهند بیشتر باشد، تعارض زناشویی کمتری را گزارش می کنند.

محققان علوم اجتماعی چارچوب‌های نظری گوناگونی را برای مطالعه پدیده جنسیتی مانند وظیفه مردان و زنان در نقش‌های کاری متفاوت به کار برده‌اند. بر اساس نظر فوکس و موری^۷ (۲۰۰۰)، تحقیقات بسیاری در زمینه خانواده توسط دیدگاه نقش جنسیتی صورت گرفته است. مفروضه‌های این دیدگاه این است که زنان و مردان از ابتدا توسط خانواده، خویشاوندان، رسانه ها و عوامل دیگر در وفق دادن خودشان با نقش‌های جنسیتی مثلا توسعه دادن مسئولیت‌های جنسیتی و اولویت هایی که قبلا تعیین کرده اند، اجتماعی می شوند (کولتران^۸، ۲۰۰۰). در نیمه اول قرن بیستم تغییرات عمده‌ای در خانواده‌های غربی صورت گرفت و نتیجه این تغییرات کاهش یافتن نقش خانه‌داری و نان آوری سنتی بوده است. در بیشتر کشورهای صنعتی و منجمله کشور ما بیشتر زوج‌ها هر دو کار می کنند (هانترایس^۹، ۲۰۰۴). نیومن^{۱۰} (۲۰۰۴) معتقد است بعد از انقلاب صنعتی، مردان و زنان آمریکایی نقش‌های سنتی متمایزی در درون خانواده‌هایشان داشته اند. مسئولیت اولیه مردان فراهم کردن امکانات مالی برای خانواده و زنان مسئول ایفای فعالیت‌های جداگانه ای در زندگی خانوادگی مانند تربیت بچه ها و مدیریت خانه بوده است. هر چند در دهه ۱۹۷۰، تغییرات چشمگیری در خانواده مانند افزایش پرشور مشارکت نیروی کار در میان زنان رخ داد، و خانواده‌ها از یک تامین کننده به وضعیت‌های دارای دو تامین کننده تغییر یافته اند (هود^{۱۱}، ۱۹۸۶). اما عوامل زیادی از جمله افزایش فرصت‌ها برای ادامه تحصیل زنان و کسب شغل در ایجاد

1 -Davis & Greenstein

2 -Amato & Booth

3 -Mickelson

4 -Davis & Pearce

5 -Christie-Mizell

6 -Helms-Erikson

7 -Fox & Murry

8 -Coltrane

9 -hantrais

10 -Newman

11 -Hood

رابطه ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی / غلامرضا رجبی و همکاران

تغییرات موثر بوده‌اند. علاوه بر این، مشکلات اقتصادی باعث شده است که زنان برای تامین مالی خانواده مشغول به کار شوند (آماتو و همکاران، ۲۰۰۳). مدل تعارض نقش جنسیتی بیان می‌کند که بسیاری از زوج‌هایی که هر دو شاغل هستند تعارض نقش را تجربه می‌کنند زیرا آن‌ها دارای رفتار کلیشه‌ای جنسیتی‌اند و توسط انتظارات اجتماعی و هنجارها سازگار شده‌اند (سیلور اشتاین^۱ و همکاران، ۲۰۰۲). خانواده‌های سنتی معتقدند که مرد نان‌آور اصلی و زن سرپرست و خانه‌دار اصلی است. حتی با ورود زنان به نیروی کار، بسیاری از زوج‌های شاغل هنوز فشارهای مالی از طرف خانواده را بر عهده مرد و مسئولیت‌های خانه‌داری و سرپرستی را از طرف خانواده بر عهده زن گذاشته‌اند و در این زمینه زنان تعارض نقش را تجربه می‌کنند زیرا وقتی که آن‌ها تمام وقت کار می‌کنند، مجبورند که کلیه فعالیت‌های خانواده و بچه‌داری را انجام دهند (ووگل و همکاران^۲، ۲۰۰۳؛ سیلور اشتاین و همکاران، ۲۰۰۲). نورل و نورل^۳ (۱۹۹۶) دریافتند که تعارض نقش یک عامل مهم در پریشانی زناشویی در بین زوج‌هایی که هر دو آن‌ها شاغل‌اند می‌باشد. کمپیل و اسنو^۴ (۱۹۹۲) نشان دادند که سطوح بالایی از تعارض بین کار و خانواده با سطوح پایینی از رضایت زناشویی همبسته است. زوج‌هایی که می‌توانند گفتگوی موفقیت‌آمیزی داشته باشند و بتوانند بین کار و خانواده تعادل ایجاد کنند رضایت از رابطه و عزت نفس بالا، پریشانی روانشناختی کمتر، بهزیستی کلی بالا، رضایت شغلی و کارآمدی بالاتری را گزارش می‌دهند (پرون و وورتینگتون^۵، ۲۰۰۱). ساگیناک و ساگیناک^۶ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که ایدئولوژی جنسیتی زوج‌هایی که هر دو آن‌ها شاغل‌اند، انتظارات جنسیتی اجتماع و هنجارهایی که برای افراد درونی شده‌اند، فشار نقش، رضایت زناشویی و رضایت از زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بورنی (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای دریافت که به طور کلی تساوی‌گرایی جنسیتی مادران با کاهش افسردگی و تعارض زناشویی پایین همبسته است. در حالی که دیدگاه تساوی‌گرایی در مردان نشان می‌دهد که سطح تعارض با میزان درآمد خانواده در ارتباط است. در این رابطه زنانی که بیشتر معتقدند که باید نقش مساوی نسبت به شریک جنسی خود کسب کنند نسبت به زنانی که بیشتر معتقدند که باید نقش سنتی نسبت به همسرشان کسب نمایند عشق و دوستی بیشتر و ناسازگاری کمتر گزارش دادند. گولدبرگ و پری جنکینز^۷ (۲۰۰۴) دریافتند که پرداختن به کار نیمه وقت (در برابر کار تمام وقت) تنها برای آن گروه از زنانی که معتقدند که هر دو زوج باید تامین‌کننده مالی باشند با بهزیستی بالا همراه است. اکسو و لای^۸ (۲۰۰۴) نشان دادند که بین ایدئولوژی‌های جنسیتی و کیفیت زناشویی در زنان و مردان رابطه

1 - Silverstien

2 - Vogel

3 - Norrell & Norrell

4 - Campbell & Snow

5 - Perrone & Worthington

6 - Saginak & Saginak

7 - Goldberg & Perry-Jenkins

8 - Xu & Lai

کمی وجود دارد. اما تاثیر ایدئولوژی‌های جنسیتی بر کیفیت زناشویی غیر مستقیم است و بین تقسیم غیرستی از کار خانگی و کیفیت زناشویی رابطه وجود دارد. بنیت^۱ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای دریافت که انجام دادن نقش اجتماعی توسط زنان به طور زیستی می‌تواند رضایت از زندگی اشخاص را افزایش دهد. فوری^۲ و همکاران همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که ایدئولوژی نقش جنسیتی تاثیر متوسطی روی ادراک بی انصافی و کیفیت زناشویی برای مردان آفریقایی-آمریکایی تبار دارد.

بریست^۳ و همکاران (۲۰۰۱)، برگرفته از تیرگری و همکاران، (۱۳۸۵) معتقدند که هوش هیجانی^۴ یا لاقل لاقل برخی از جنبه‌های آن ظرفیت غنی سازی یک ازدواج توام با سازگاری و رضایت مطلوب و باثبات را داراست. آنان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش افکار، احساس‌ها و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی، با احساس رضایتمندی بیشتری همراه است، و افرادی که از سطوح هوش هیجانی بالاتری برخوردارند در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین، رضایتمندی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند (شاته^۵ و همکاران، ۲۰۰۱). هوش هیجانی با وقایع و پیامدهای زندگی ارتباط دارد و به افراد در فهم و پیش بینی جنبه‌های گوناگون روزمره کمک می‌کند (سیاروچی^۶ و همکاران، ۲۰۰۱، برگرفته از حدادی کوهسار و همکاران، ۱۳۸۵). برادبوری^۷ و همکاران (۲۰۰۰) شواهدی ارائه می‌دهند که احساس‌ها عامل بسیار مهمی برای بررسی تنوع در کیفیت زناشویی است و بیان می‌کنند که احساس‌های مثبت و منفی به طور مستقیم با کیفیت زناشویی بیشتر و کمتر رابطه دارد. بریکر^۸ (۲۰۰۵) در مطالعه طولی یک ساله نشان داد که بین جنبه‌های مسلم رضایت زناشویی و هوش هیجانی رابطه وجود دارد. سطح هوش هیجانی مردان تاثیر معنی‌داری بر روی حل مشکل ارتباطی و عاطفی زوج‌ها دارد. هوش هیجانی آن‌ها همچنین روی سطح رضایت جنسی زنان و توانایی برآمدن از عهده مشکلات گذشته خانواده، موثر بوده است. هوش هیجانی زنان با سطوح پایین پرخاشگری مردان رابطه دارد. او نشان داد که در بیشتر شرایط، سطح هوش هیجانی مردان ضمانتی برای رضایت زناشویی زوج‌ها بوده است. جوشی و تینگیوجام^۹ (۲۰۰۹) نشان دادند که بین سازگاری زناشویی و رضامندی با هوش هیجانی رابطه وجود دارد. سعادت و همکاران (۱۳۸۹) نشان

- 1 - Bennett
- 2 - Forry
- 3 - Brissette
- 4 - emotional intelligence
- 5 - Schutte
- 6 - Ciarrochi
- 7 - Bradbury
- 8 - Bricker
- 9 - Joshi & Thingujam

رابطه ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی / غلامرضا رجبی و همکاران

دادند که هوش هیجانی می‌تواند سبب افزایش سلامت، رفاه، ثروت، موفقیت، عشق و شادی گردد. همچنین افراد با هوش هیجانی بالا توانایی اداره مطلوب خلق و خوی، وضع روانی، کنترل تکانه‌ها، همدلی، آگاهی یافتن از احساس‌های خود و دیگران را دارند و عاملی است که هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف در شخص امید و انگیزه ایجاد می‌کند. تمام موارد ذکر شده نشانه سلامت فرد است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر کیفیت زندگی اثر مثبت می‌گذارد.

امروزه شاهد خانواده‌هایی هستیم که به ظاهر در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند ولی از نظر کیفیت و عملکرد زناشویی در سطح پائینی قرار دارند، که می‌تواند ناشی از عوامل مختلف از جمله عدم درک یکدیگر، عدم مسئولیت نسبت به یکدیگر، عدم آشنایی به نقش‌های خود، عدم آشنایی به تقسیم وظایف در زندگی، عدم همکاری زوج‌ها و بالاخره داشتن باورها و اعتقادهای نامناسب زوج‌ها در باره یکدیگر و زندگی باشد. شاید اعتقادات آن‌ها این باشد که زنان حق کارکردن در خارج از خانه را ندارند، زن باید خانه دار باشد، حق ادامه تحصیل را ندارد. لذا مسئله کیفیت زندگی در حال حاضر اهمیت بیشتری پیدا کرده است و انجام این مطالعه می‌تواند به مشاوران خانواده در ارتقاء کیفیت زندگی، بهبود روابط، حل اختلاف‌ها و ناسازگاری‌ها و مشکلات موجود بین زوج‌ها کمک نماید. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی با کیفیت زندگی در کارکنان متاهل اداره‌های دولتی شهر شیراز است.

سوال‌های پژوهش

۱- آیا بین متغیرهای ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی با کیفیت زندگی رابطه وجود دارد؟ و ۲- کدامیک از متغیرهای ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی می‌تواند کیفیت زندگی را در کارکنان پیش‌بینی کنند؟

روش

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. در این پژوهش جامعه آماری شامل کلیه کارکنان متاهل شاغل اداره‌های دولتی شهر شیراز در سال ۱۳۸۹ بود. در این مطالعه با معرفی نامه معاونت تحصیلات تکمیلی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز به سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان فارس مراجعه و فهرست اداره‌های دولتی شهر شیراز و تعداد کارکنان آن‌ها دریافت شد. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان اداره‌های موجود ۸ اداره (آب و فاضلاب، برق، نوسازی مدارس، جهاد کشاورزی، هلال احمر، صنایع و معادن، ثبت احوال و آموزش و پرورش) به تصادف انتخاب شدند. در آخر، بر اساس حجم نمونه‌های هر اداره ۲۵۰ نفر از کارکنان زن و مرد به صورت روش نمونه‌گیری

تصادفی طبقه ای برگزیده گردیدند (کرجسی و مورگان^۱، ۱۹۷۰). لازم به ذکر است که تعدادی از آزمودنی های انتخاب شده در تعدادی از اداره ها از همکاری در تکمیل پرسشنامه ها خودداری نمودند و از نمونه حذف شدند و سپس نمونه ای دیگر از آن اداره ها انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

۱-مقیاس ایدئولوژی های نقش جنسیتی. این مقیاس توسط بروگان و کاتنر^۲ (۱۹۷۶) با هدف گسترش نگرش های موافق درباره نقش های زنان و مردان در خانه و محل کار که سنتی یا روشنفکرانه بودند، مورد استفاده قرار گرفت، که دارای ۳۹ ماده می باشد. پاسخ به هر یک از این ماده ها به روش لیکرتی و به صورت ۵ گزینه ای از به شدت موافقم=۱ تا به شدت مخالفم=۵ می باشد. نمره گذاری برخی از ماده ها (۳، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۶) به صورت معکوس است. نمره های بالا نشان دهنده تساوی گرایی (غیر سنتی بودن) بیشتر است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس برای نوبت اول در زنان و مردان به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۹۰ و در نوبت دوم برای زنان ۰/۷۷ و برای مردان ۰/۹۲ گزارش شده است، (بروگان و کاتنر، ۱۹۷۶). در این مطالعه ضریب آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۸۴، برای کارکنان مرد ۰/۸۳ و کارکنان زن ۰/۸۲ می باشد. که همه ضرایب رضایت بخش می باشند. ضریب روایی همزمان مقیاس ایدئولوژی های نقش جنسیتی با پرسشنامه ۳۵ ماده ای ایدئولوژی نقش جنسیتی محقق ساخته در کل نمونه ۰/۶۳، در مردان ۰/۶۵ و در زنان ۰/۶۰ به دست آمدند، که همه ضرایب به دست آمده در سطح $p < 0.001$ معنادار می باشند.

۲- پرسشنامه نقش های زناشویی. این پرسشنامه توسط محققان (۱۳۸۹) با هدف اندازه گیری میزان مشارکت، همکاری و تقسیم وظایف زوج ها تدوین شده و دارای ۱۷ ماده است که پاسخ به هر ماده به صورت لیکرتی از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵ می باشد. نمره های بالاتر در این پرسشنامه بیانگر مشارکت و همکاری بیشتر و انجام درست وظایف توسط زوج ها می باشد. ضریب آلفای کرونباخ این ابزار برای کل نمونه ۰/۷۵، برای کارکنان مرد ۰/۷۴ و برای کارکنان زن ۰/۷۷ می باشد. ضرایب روایی همزمان آن با پرسشنامه ۱۴ ماده ای نقش های زنانه و مردانه محقق ساخته برای کل نمونه ۰/۲۳، برای کارکنان مرد ۰/۲۶ و کارکنان زن ۰/۲۸ می باشد ($p < 0.05$).

۳- پرسشنامه هوش هیجانی شاته^۳ (EIS). این پرسشنامه شامل ۳۳ ماده است که توسط شاته و همکاران (۱۹۹۸) بر اساس الگوی هوش هیجانی مایر و سالوی (۱۹۹۷، سالوی و مایر، ۱۹۹۰) ساخته شده است. ماده های

1- Krejcie & Morgan

2 - Brogan & Kutner

3 -Schutte Emotional Intelligence Scale

رابطه ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی / غلامرضا رجیبی و همکاران

این پرسشنامه شامل خرده مقیاس‌های تنظیم هیجان‌ها (من به دنبال فعالیت‌هایی هستم که مرا خوشحال سازد)، بهره‌وری از هیجان‌ها (زمانی که تغییری در حالت روحی خود احساس می‌کنم، دوست دارم به ایده‌های نو، دست پیدا کنم) و ارزیابی هیجان‌ها (من فکر می‌کنم که درک پیام‌های غیر کلامی دیگران مشکل است) را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵، را می‌سنجد. نمره‌گذاری ماده‌های ۵، ۲۸ و ۳۳ این ابزار به صورت معکوس می‌باشد. این مقیاس تنها یک نمره کلی برای هوش هیجانی به دست می‌دهد که دامنه آن از ۳۳ تا ۱۶۵ است.

سیاروچی و دین^۱ (۲۰۰۰)، به نقل از شهبازی، (۱۳۸۴) همسانی درونی این مقیاس در میان نوجوانان برای هوش هیجانی کل ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس‌های ارزیابی و ابراز هیجان، تنظیم هیجان و بهره‌برداری از هیجان به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۶ و ۰/۵۵ محاسبه کرده‌اند. احدی و همکاران (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را ۰/۸۹ به دست آوردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۹۰، برای کارکنان مرد ۰/۸۹ و برای کارکنان زن ۰/۹۰ می‌باشد. ضریب روایی همزمان آن با مقیاس هوش هیجانی برادبوری و گریوز^۲ (۲۰۰۲) در کل نمونه ۰/۶۸، در کارکنان مرد ۰/۶۹ و در کارکنان زن ۰/۶۹ ($p < ۰/۰۰۱$) به دست آمد.

۴-مقیاس فرم کوتاه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی^۳ (WHOQOL). این مقیاس توسط سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۸) با هدف بررسی کیفیت زندگی تدوین شده و دارای ۲۶ ماده و چهار حیطه سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیط است (هر یک از حیطه‌ها به ترتیب دارای ۷، ۶، ۳ و ۸ ماده می‌باشند) و دو ماده کیفیت زندگی و وضعیت سلامت را به طور کلی مورد ارزیابی قرار می‌دهند. پاسخ به ماده‌ها به روش لیکرتی و به صورت ۵ گزینه‌ای از اصلاً=۱ تا خیلی زیاد=۵ می‌باشد. این مقیاس توسط نجات و همکاران (۱۳۸۵) در ایران استاندارد سازی شده است، ضریب آلفای کرونباخ را برای حیطه‌های سلامت جسمانی ۰/۷۷، سلامت روانی ۰/۷۷، روابط اجتماعی ۰/۷۵، سلامت محیط ۰/۸۴ و برای کل مقیاس ۰/۷۳ به دست آورده‌اند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۹۰، در کارکنان مرد ۰/۹۰ و در کارکنان زن ۰/۹۰ به دست آمده است. ضریب روایی همزمان آن با مقیاس ۱۳ ماده‌ای رضایت زناشویی رجیبی (۱۳۸۸) در کل نمونه ۰/۴۵، در کارکنان مرد ۰/۳۸ و در کارکنان زن ۰/۵۲ می‌باشد ($p < ۰/۰۰۱$).

روش‌های آماری

1 -Deaane

2 -Greaves

3 -World Health Organization Questionnaire Brief Quality of Life

در این پژوهش در آغاز برای دستیابی به شاخص‌های اولیه آماری از میانگین و انحراف معیار و برای بررسی هدف اصلی پژوهش از ضرایب همبستگی ساده و تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. همچنین سطح معناداری آزمون $P < 0/05$ و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS/16 استفاده شده است.

یافته‌ها

در زیر یافته‌های توصیفی و استنباطی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه درج شده اند.

جدول ۱. میانگین‌ها، انحراف‌های معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه (n=۲۵۰)

متغیرها	میانگین و انحراف معیار	نقش‌های زناشویی	هوش هیجانی	کیفیت زندگی
ایدئولوژی‌های جنسیتی	۳/۲۶ (۰/۴۵)	۰/۴۵*	۰/۵۲*	۰/۳۲*
نقش‌های زناشویی	۳/۵۳ (۰/۴۸)	-	۰/۳۷*	۰/۴۶*
هوش هیجانی	۳/۷۰ (۰/۴۷)	-	-	۰/۳۱*
کیفیت زندگی	۳/۴۴ (۰/۵۰)	-	-	-

* $p < 0/001$

همان گونه که در جدول ۱ ملاحظه می شود، بین متغیرهای ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی با کیفیت زندگی به ترتیب ۰/۴۵، ۰/۵۲ و ۰/۳۲ در سطح آماری $p < 0/001$ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها به سوال اول تحقیق پاسخ می دهد.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه و تحلیل واریانس رگرسیون ورود کیفیت زندگی توسط ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	B	β	t	P
کیفیت زندگی	عرض از مبدا	۱/۲۱	-	۴/۵۲	۰/۰۰۱
	ایدئولوژی‌های جنسیتی	۰/۱۰	۰/۰۹	۱/۳۳	۰/۱۸۳
	نقش‌های زناشویی	۰/۴۰	۰/۳۷	۵/۹۷	۰/۰۰۱
	هوش هیجانی	۰/۱۳	۰/۱۲	۱/۸۳	۰/۰۶۸

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود، نسبت F تحلیل واریانس رگرسیون ورود متغیرهای پیش بین بر کیفیت زندگی برابر با ۲۶/۱۷ می باشد که در سطح $p < 0/001$ با درجه آزادی (۲۴۶ و ۳) معنی دار است.

رابطه ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی / غلامرضا رحبی و همکاران

بنابراین از بین متغیرهای پیش بین ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی متغیرهای نقش‌های زناشویی ($t=5/97$, $p<0/001$) و هوش هیجانی ($t=1/83$, $p<0/068$) پیش‌بینی‌کننده متغیر ملاک (کیفیت زندگی) به حساب می‌آید. در صورتی که متغیر دیگر مشارکتی در پیش‌بینی متغیر ملاک ندارد (برای اطلاعات اضافی می‌توانید به مقادیر t ضریب تفکیکی در جدول بالا مراجعه کنید). به عبارت دیگر، وزن‌های رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد بیانگر این هستند که وزن‌های استاندارد (β) نقش‌های زناشویی $0/37$ و هوش هیجانی $0/12$ است که نسبت به متغیر دیگر بسیار بالاترند ($0/09$). همچنین ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر ملاک و متغیرهای پیش‌بین در حدود $0/49$ است و مجذور آن 24 درصد واریانس کیفیت زندگی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته به سوال دوم تحقیق پاسخ می‌دهد. به علاوه، تحلیل رگرسیون به روش گام به گام^۱ همانند تحلیل رگرسیون به روش ورود نیز نشان داد که متغیرهای نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی در پیش‌بینی کیفیت زندگی نقش دارند.

همچنین نسبت F تحلیل واریانس رگرسیون ورود متغیرهای پیش‌بین بر کیفیت زندگی در مردان برابر با $11/17$ و در زنان $19/73$ به دست آمد که در سطح $p<0/001$ با درجه آزادی (3 و 121) معنادار است. در واقع، از بین متغیرهای ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی فقط متغیر نقش‌های زناشویی پیش‌بینی‌کننده متغیر ملاک (کیفیت زندگی) به ترتیب در مردان ($t=3/89$, $p<0/001$) و زنان ($t=5/04$, $p<0/001$) است. وزن‌های رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد بیانگر این هستند که وزن استاندارد β نقش‌های زناشویی در مردان $0/34$ و در زنان $0/43$ می‌باشد.

بحث

هدف مطالعه حاضر پیش‌بینی کیفیت زندگی به عنوان یک متغیر ملاک بر حسب متغیرهای پیش‌بین ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های جنسی و هوش هیجانی بر روی کارکنان متأهل بوده است. نتایج ضرایب همبستگی ساده نشان داد که بین ایدئولوژی‌های جنسیتی با کیفیت زندگی رابطه مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر، با بالا رفتن نمره‌های زنان و مردان در متغیر ایدئولوژی نقش‌های جنسیتی نمره‌های آن‌ها در کیفیت زندگی افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین، هر چه شرکت‌کنندگان (اعم از زنان و مردان) نمره‌های پایین‌تری داشته باشند عقاید و باورهای سنتی تری نسبت به یکدیگر دارند، و هر چه نمره‌های بالاتری به دست آورده باشند، دیدگاه آنان نسبت به یکدیگر غیرسنتی و تساوی‌گراتر است. این یافته با یافته‌های بورنی (۲۰۰۶) که معتقد است تساوی‌گرایی جنسیتی مادران با کاهش افسردگی و تعارض زناشویی همبسته است و همچنین تساوی‌گرایی مردان نسبت به همسرشان باعث کاهش افسردگی و افزایش کیفیت زندگی می‌شود، همسو می‌باشد. ساگیناک و

ساگیناک (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که ایدئولوژی‌های جنسیتی زوج‌هایی که هر دو آن‌ها شاغل‌اند، انتظارات جنسیتی اجتماع و هنجارهایی که برای افراد درونی شده‌اند فشار نقش، رضایت زناشویی و رضایت از زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. هلمز-اریکسون و همکاران (۲۰۰۰) مشاهده کردند که هر چه تجانس باورها و عقاید زوج‌های کارمند به ویژه زنان تساوی‌گرا درباره آنچه که باید در کار انجام دهند و آنچه که واقعا انجام می‌دهند بیشتر باشد، تعارض زناشویی کمتری را گزارش می‌کنند.

بین نقش‌های زناشویی با کیفیت زندگی رابطه مثبت و معناداری دیده شد. یعنی، هر چه میزان همکاری شرکت‌کنندگان زن و مرد در امور خانه و بیرون از خانه بیشتر باشد، کیفیت زندگی آن‌ها بالاتر است و برعکس هر چه همکاری آن‌ها در کارهای خانه و بیرون از خانه کمتر باشد، کیفیت زندگی آن‌ها پایین‌تر خواهد بود. در اینجا زنان و مردان در انجام امور مربوط به خانواده با یکدیگر تقسیم وظایف دارند و در انجام این امور با یکدیگر همکاری می‌کنند و بالعکس. امروزه به نظر می‌رسد مشاغل خانه‌داری از حالت سنتی خارج شده و مردان در این گونه کارها با همسرانشان مشارکت می‌کنند و زنان هم نسبت به دهه‌های قبل در امور خارج از منزل نقش‌های مردانه را به خوبی ایفاء می‌نمایند. همین امر باعث شده که علاوه بر اینکه هر دو جنس در امور مربوط به خویش فعالیت کنند در امور متقابل هم شرکت نمایند و در نتیجه این مشارکت منجر به بالا رفتن کیفیت زندگی آن‌ها شده است. اکسو و لای (۲۰۰۴) معتقدند که بین تقسیم غیر سنتی از کار خانگی و کیفیت زندگی رابطه وجود دارد و بنیت (۲۰۰۹) خاطر نشان کرد که انجام نقش اجتماعی توسط زنان به طور زیستی می‌تواند رضایت از زندگی اشخاص را افزایش دهد.

نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی با کیفیت زندگی رابطه مثبت وجود دارد. یعنی، با بالا رفتن هوش هیجانی، کیفیت زندگی نیز بالا می‌رود و با پایین آمدن آن کیفیت زندگی نیز پایین می‌آید. همچنین، هر چه شرکت‌کنندگان از هوش هیجانی بالاتری برخوردار باشند بهتر می‌توانند یکدیگر را درک کنند، کنترل بیشتری بر رفتارها و احساس‌های خود و همسر خود داشته باشند و چنین افرادی در مدیریت و مهار هیجان‌های خود و همسرشان تواناترند و به این لحاظ در زندگی زناشویی خود احساس بهتری دارند. از سوی دیگر، این یافته تایید می‌کند که افرادی که توانایی تنظیم هیجان‌های خود را دارند و بر نحوه ابراز احساس‌های خود نسبت به همسرشان نظارت دارند، کیفیت زندگی بیشتری را در زندگی مشترکشان تجربه می‌کنند. زنان و مردانی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار باشند از مهارت‌های اجتماعی بالایی نیز بهره‌مند می‌باشند، پس چنین افرادی با

رابطه ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی / غلامرضا رحبی و همکاران

استفاده از روش‌های مؤثر و کارآمد می‌توانند روابط بین فردی خصوصاً روابط زناشویی را به خوبی مدیریت کنند و همسرانی مفید و مؤثری باشند. یافته‌های موریس و کارتر (۲۰۰۰) نشان داد که یک ازدواج رضایت‌مندانانه زمینه ساز فضای مناسبی جهت تلاقی و تبادل احساس‌ها و عواطف مثبت بین زوج‌ها است. سعادت و همکاران (۱۳۸۹) دریافتند که هوش هیجانی به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر کیفیت زندگی افراد اثر مثبت می‌گذارد.

نتایج نشان داد که از بین سه متغیر پیش بین (ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی) نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی سهم مناسبی در پیش بینی کیفیت زندگی شرکت‌کنندگان دارند. یعنی، هرچه نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی بالاتر برود کیفیت زندگی افراد متاهل نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین، اگر زنان و شوهران با یکدیگر تقسیم وظایف داشته باشند، وظایف به طور مساوی تقسیم شده باشد، زوج‌ها درک تساوی‌گرایانه‌ای از انجام وظایف داشته باشند و در امور مربوط به خانه و خانواده با هم همکاری کنند، می‌توان نتیجه گرفت که آن‌ها از کیفیت زندگی بالایی برخوردارند، از سوی دیگر اگر افراد در زندگی روزمره بتوانند از توانایی‌های خود مهارگری و از تنظیم هیجان‌های خود در موقعیت‌های پر استرس و دشوار و در تعامل با همسرشان استفاده کنند از کیفیت زندگی مناسبی برخوردارند. با توجه به اهمیتی که تقسیم وظایف و همکاری زن و شوهر در پیشبرد اهداف خانواده دارد و با توجه به تاثیر تقسیم وظایف و نقش‌ها روی کیفیت زندگی، لازم است که رسانه‌ها الگوهای چنین خانواده‌هایی را مورد توجه قرار دهند. همچنین، برای داشتن زوج-های خوشبخت و دارای کیفیت زناشویی بالا، باید آموزش‌های قبل از ازدواج را با جدیت بیشتری دنبال کرد و در این زمینه راهنمایی‌های لازم ارائه گردد. دیدگاه‌های نامناسب زنان و مردان نسبت به یکدیگر می‌تواند عامل بسیاری از مشکلات خانوادگی و اجتماعی باشد و تغییر این دیدگاه‌ها می‌تواند باعث افزایش کیفیت زندگی افراد، توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افزایش تمایل جوانان به ازدواج گردد.

محدودیت این مطالعه تعمیم‌پذیری یافته‌ها به جمعیت‌های غیر از کارکنان اداره‌ها است. البته نتایج به دست آمده را با احتیاط می‌توان به جوامع مشابه جمعیت هدف تعمیم داد. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران فقط از ابزاری که صرفاً کیفیت زندگی افراد متاهل را اندازه‌گیری می‌کند استفاده نمایند. توصیه بعدی این است که یک بسته آموزشی توسط کارشناسان خانواده برای آموزش نقش‌ها و ایدئولوژی‌های جنسیتی که منجر به بهبود و افزایش ارتقاء زندگی انسان‌ها می‌شود، طراحی گردد.

بدین وسیله از همکاری کلیه اداره‌ها و کارکنان دولتی شهر شیراز و به ویژه روسای این اداره‌ها که ما را در انجام این تحقیق یاری نمودند کمال سپاسگزاری را داریم.

منابع

- احمدی، بتول؛ نریمانی، محمد؛ ابوالقاسمی، عباس؛ آسیایی، مریم (۱۳۸۸). بررسی ارتباط هوش هیجانی، سبک اسناد و خودکارآمدی با رضایت از زندگی در زنان شاغل. مطالعات تربیتی و روانشناسی، دوره دهم، شماره ۱، صص. ۱۱۷-۱۲۷.
- تیرگری، عبدالکریم؛ اصغر نژاد فرید، علی اصغر؛ بیان زاده، سید اکبر؛ عابدین، علی رضا (۱۳۸۵). مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه ساختاری آن ها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری. مجله دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه مازندران، دوره شانزدهم، شماره ۵۵، صص. ۷۸-۸۶.
- حدادی کوهسار، علی اکبر؛ روشن، رسول و اصغر نژاد فرید، علی اصغر (۱۳۸۵). مقایسه هوش هیجانی و سلامت روانی دانشجویان با روابط عاطفی آنان در خانواده. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی، سال اول، شماره ۴، صص. ۸۷-۶۹.
- سعادت، سهیل؛ سوری، حمید؛ اسدی، مهدی؛ محبی، سیامک؛ چیوایی، سمیه و فلاحی، سمیرا (۱۳۸۹). بررسی همبستگی بین هوش هیجانی و کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم در سال ۱۳۸۸. مجله دانش و تندرستی، شماره ۵، صص. ۷۹-۸۹.
- شهبازی، مسعود (۱۳۸۴). رابطه هوش هیجانی و ابراز وجود با رضایت زناشویی در معلمان متاهل آموزش و پرورش شهرستان مسجد سلیمان با کنترل سال های ازدواج. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران.
- نجات، سحرناز؛ منتظری، علی؛ هلاکوئی نائینی، کوروش؛ محمد، کاظم؛ مجدزاده، سید رضا (۱۳۸۵). استاندارد سازی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF): ترجمه و روانسنجی گونه ایرانی. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۴، شماره ۴، صص. ۱-۱۲.
- نوابی نژاد، شکوه (۱۳۸۳). مشاوره ازدواج و خانواده درمانی. تهران: انتشارات اولیا و مریان.

- Amato, P. R., & Booth, A (1995). Changes in gender role attitudes and perceived marital quality. *American Sociol Review*, 60, 58-66.
- Amato, P. R., Johnson, D. R., Booth, A., & Rogers, S. J (2003). Continuity and change in marital quality between 1980 and 2000. *Journal of Marriage and Family*, 65, 1-22.
- Barnett, R. C., Marshall, N. L., Raudenbush, S. W., & Brennan, R. T (1993). Gender and the relationship between job experiences and psychological distress: A study of dual-career couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 794-806.
- Bem, S. L (1974). The measurement of psychological androgyny. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42, 155-162.
- Bem, S. L (1978). Beyond androgyny: some presumptions for a liberated sexual identity. In J. Sherman & F. Denmark (Eds.), *Psychology of women Future directions and research*. New York: Psychological Dimensions.

رابطه ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی / غلامرضا رجیبی و همکاران

- Bennett, S. L. R (2009). An investigation of sources of womens infertility-specific distress and well-being. A dissertation presented to the graduate faculty of The University of Akron. In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy.
- Bourne, H (2006). Gendr ideology, depression, and marital quality in orking class, dual-earner couples across the transition to parenthood. Submitted to the Graduate School of theUniversity of Massachusetts, Amherst in partial fulfillmentof the requirements for the degree of doctor of philosophy. Clinical Psychology.
- Bradberry, T., & Greaves, J (2002). Emotional Intelligence Appraisal: There is more than IQ, Me Edition. U.S.: TalentSmart, Inc.
- Brewster, K. L., & Padavic. I (2000). Change in gender ideology, 1977-1996: The contributions of intracohort change and population turnover. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 477-487.
- Bricker, D (2005). The link between marital satisfaction and emotional intelligence. Diss eration submitted in fulfillment with the requirements for the degree of Magister Artium (psych) in the faculty of humanities at the University of Johannesburg.
- Brogan, D., & Kutner, N. (1976). Measuring sex role orientation: A normative approach. *Journal of Marriage and the Family*, 38, 31-40.
- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. H (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Marriage Journal of the Family and Marriage*, 62, 964-980.
- Campbell, J. L., & Snow, B. M (1992). Gender role conflict and family environment as predictors of men's marital satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 6, 84-87.
- Christie-Mizell, C. A., Keil, J. M., Kimura, A., Blount, S. A (2007). Gender ideology and motherhood: The consequences of race on earnings. *Sex Roles*, 57, 689-702.
- Coltrane, S (2000). Research on household labor: modeling and measuring the social embeddedness of routine family work. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 1208-1233.
- Davis, S. N., & Greenstein, T. N (2009). Gender ideology: components, predictors, and consequences. Department of Sociology and Anthropology 4400 University Drive, MS 3G5 Fairfax, VA 22030, 703-993-1443.
- Davis, S. N., & Pearce, L. D (2007). Adolescents' work-family gender ideologies and educational expectations. *Sociological Perspectives* 50: 249-71.
- Deaux, K., & Kite, M (1993). Gender stereotypes. In F.L. Denmark and M.A. Paludi (Eds.) *psychology of women: A Handbook of Issues and Theories*. Westport, CT: Greenwood Press.
- Forry, D. N. A., Leslie, L. A., & Letiecq, B. L (2007). Marital quality in interracial relationships the role of sex role ideology and perceived fairness . *Journal of Family Issues*, 28, 1538-1552.
- Fox, G. L., & Murry, V. M (2000). Gender and families: feminist perspectives and family research. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 1160-1172.
- Goldberg, A. E., & Perry-Jenkins, M (2004). Division of labor and working-class women's well-being across the transition to parenthood. *Journal of Family Psychology*, 18, 225-236.
- Gaunt, R (2006). Biological essentialism, gender ideologies, and role attitudes: what determines parents' involvement in child care? *Sex Roles* 55, 523-533.
- Hantrais, L (2004). *Family Policy Matters: Responding to Family Change in Europe*. Bristol: The Policy Press.
- Helms-Erikson, H., Tanner, J., Crouter, A., & McHale, S (2000). Do women's providerrole attitudes moderate the links between work and family? *Journal of Family Psychology*, 14(4), 658-670.
- Hood, J. C (1986). The provider role: Its meaning and measurement. *Journal of Marriage and the Family*, 48(2), 349-359.

- Joshi, S., & Thingujam, N. S (2009). Perceived emotional intelligence and marital adjustment: examining the mediating role of personality and social desirability. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 1, 79-86.
- Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining Sample size for Research Activites. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 608.
- Mayer, J. D., & Salovey, P (1997). What is emotional intelligence? In *Emotional development and emotional intelligence*. Basic Books. New York: Basic Books.
- Mickelson, K. D., Claffey, S. T., & Williams, S. L (2006). The moderating role of gender and gender role attitudes on the link between spousal support and marital quality. *Sex Roles*, 55,73-82.
- Newman, G. L (2004). The relationship between provider –role and marital outcomes. thesis submitted to the faculty of the graduate school of the University of Maryland, College Park, in partial fulfillment of the requirements for the degree of Masters of Science.
- Norrell, J. E., & Norrell, T. H (1996). Faculty and family policies in higher education. *Journal of Family Issues*, 17, 204-226.
- Perrone, K. M., & Worthington, E. L (2001). Factors influencing ratings of marital quality by individuals within dual-career marriages: A conceptual model. *Journal of Counseling Psychology*, 48, 3-9.
- Saginak, K. A., & Saginak, M. A (2005). Balancing work and family: Equity, gender, and marital satisfaction. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 13, 162-166.
- Salovey, P., & Mayer, J. D (1990). Emotional Intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9 (3), 185–211.
- Schutte, N. S., Malouff, T. M, Bobik, C., Coston, T. D., Greeson, C., Jedlicka, C., Jedlicka, C., Rhodes, E., Wendorf, G (2001). Emotional intelligence and interpersonal relation. *The Journal of Social Psychology*, 141(4), 523-536.
- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D. J., Cooper, J. T., Golden, C. J., & Dornheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25 (2), 167–177.
- Silverstein, L. B., Auerbach, C. F., & Levant, R. F (2002). Contemporary fathers reconstructing masculinity: Clinical implications of gender role strain. *Professional Psychology: Research and Practice*, 33, 361-369.
- Suls, J., & Bunde, J. (2005). Anger, anxiety, and depression as risk factors for cardiovascular disease: The Problems and Implications of overlapping affective dispositions. *Psychological Bulletin*, 131(2), 260-300.
- Stewart, L. P., Cooper, P. J., Stewart, A. D., & Friedley, S. A (2003). *Communication and gender*. Boston, MA: Allyn and Bacon.
- Vogel, D. L., Wester, S. R., Heesacker, M., & Madon, S (2003). Confirming gender stereotypes: A social role perspective. *Sex Roles*, 48, 519- 528.
- World Health Organization Group (1998). Group development of the World Health Organization WHOQOL-Brief Quality of Life Assessment. *Psychological Medicine*, 28, 551-556.
- Xu, X., & Lai, S. C (2004). Gender ideologies, marital roles, and marital quality in Taiwan. *Journal of Family Issues*, 25, 318-355.